



همه کارها به دست خداست/ اگر کسی به اندازه توانایی خودش کار کند توانایی او افزوده می شود

آیت الله جاودان در جلسات هفتگی خود گفت: من خودم بیدار نشدم. اگر حال نماز داشتم، خدا آن حال را داد. اگر همت کردم و یک کار بزرگی کردم، خدا آن کار را کرد.

آیت الله جاودان در جلسات هفتگی خود گفت: من خودم بیدار نشدم. اگر حال نماز داشتم، خدا آن حال را داد. اگر همت کردم و یک کار بزرگی کردم، خدا آن کار را کرد. مدام می فهمد که خدا این کارها را کرد و در آن زمان می گوید که همه کارها را خدا کرد. یعنی کمک کرد. این را فراموش نکنید. کمک کرد. می فرماید خدایی را حمد می کنم که ما را به چنین راه و چنین جایی هدایت کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر متن سخنان جلسه درس اخلاق اخیر آیت الله جاودان در پی می آید:
ماه رجب ماه بسیار خوبی است. حاج آقای حق شناس این ماه را خیلی مهم می دانست و ما هم از ایشان آموختیم. ایشان نهم ماه رجب از دنیا رفت.

در آیه 42 سوره مبارکه اعراف می فرماید: **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** حرف بسیار قشنگی است. کسانی که ایمان دارند و عمل صالح کرده اند. ایمان دارند و عمل صالح کرده اند. یک کوشش عمری برای درستی و راستی. باور کنید می ارزد که انسان یک کوشش عمری برای درستی و راستی داشته باشد. اینجا یک جمله معترضه وسط کلام الهی آمده است. **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** یک جمله کامل است. وسط این می فرمایند: **لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا** خب من که نمی گویم شما به اندازه سلمان کار کن. به اندازه خودت کار کن.

لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا هر کس به اندازه توانایی خودش. اگر شما به اندازه توانایی خودت کار کنی، توانایی ات افزوده می شود. خصوصیتش این است. اگر شما ریاضیات کار کنی، سطح فهم ریاضی ات بالا می رود دیگر. اما آن حد دارد. اینجا حد ندارد. اگر انسان در عمل کار کند، هیچ حدی ندارد. انسان می تواند تا بی نهایت کار کند و بالا برود. **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** آنها یاران بهشت هستند. به زبان ما اهل بهشت هستند. آنها در بهشت ابدی هستند. اصل حرف مان این بخشی است که الان می خواهم عرض کنم. در آیه بعد می فرماید: **وَتَرْغَبُنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ** این حرف اصلی است. **وَتَرْغَبُنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ** به زبان من، غل و غش موجود در سینه آنها را خیلی قبل ترها در آورده ایم که می شود الان به بهشت بروند. سینه من که پر از غل و غش است، اصلاً جای بهشت نیست. جز پاک را به بهشت راه نمی دهند. پاک یعنی چه؟ یعنی در سینه اش غل و غش نباشد. صاف و راست باشد. یک وجه و یک صورت بیشتر ندارد. نه اینکه پنج تا پرده داشته باشد و در هر پرده یک بازی ای بکند. نه. صاف و درست است.

البته صاف و درست بودن یک جنبه اش است. **وَتَرْغَبُنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ** این هم مانند یک جمله معترضه دیگر است. داشتیم می خواندیم که **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ**. یک جمله معترضه داشتیم که فعلاً آن را حذف کردیم. **أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** * **تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ** بارها آیه به همین شکل آمده است. کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح کرده اند تا ابد در بهشت هستند و زیر درختان این بهشت نهرها جاریست. خب. پس گویی این **وَتَرْغَبُنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ** یک جمله معترضه دیگر است که دارد می گوید قبل ها این غل و غش ها پاک شده. آن قبل چه زمانی است؟ اگر همین جا همت و همراهی کنید. خدا می خواهد یک کاری بکند. اگر در خاطرتان باشد در آیه 141 سوره مبارکه آل عمران می فرماید: **وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا** در خاطرتان هست؟ می فرماید خدای تبارک و تعالی تمحیص می کند. تمحیص به چه معناست؟ یعنی تخلیص. تخلیص یعنی چه؟ یعنی خالص سازی. خدای تبارک و تعالی مومنان را خالص می کند. دائماً دارد یک کاری می کند که این خالص شود. به مقدار ایمانش. چون ملاک و دلیلش ایمان است.

به مقدار ایمانش، روی بنده این عمل انجام می شود. پس اگر می بینید، مومن، صد جور گرفتار است و صد جور بلا روی سرش است، دارند با او اینکار را می کنند. تخلیص. اصطلاح قرآن تمحیص بود. **وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا** در برابر در ادامه می فرماید: **وَيَمْحَقُ الْكَافِرِينَ** کافران را بر باد فنا می دهد. مومن تخلیص می شود. اگر تخلیص می شود، یعنی دارد رشد می کند. خالص را به آسمان می برند. آدمی که سینه اش از بخل و حسد و کینه پر است، همینجا می ماند. **وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا** و **يَمْحَقُ الْكَافِرِينَ** البته باز هم هست. این همان **وَتَرْغَبُنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ** است. کاری روی این مومن شده. عرض کردم که اگر در دنیا همراهی کند، اگر خودش همراهی کند. سحر که بیدار می شوید، داری برای خالص شدن خودت کمک می کنی. انسان خالص شود، چطور می شود؟ از غیر خدا نمی ترسد. از هیچ چیز نمی ترسد. این قیمت ندارد یا دارد؟ از هیچ چیز نمی ترسد. خیلی قیمت دارد. امیرالمومنین می فرمود اگر همه عرب پشت به هم بدهند و رو به من بیاورند، من نمی ترسم. مثلاً آن زمان عرب دو سه میلیون جمعیت داشته. ایشان می فرماید من نمی ترسم. یک قدم هم عقب نمی روم. این خیلی قیمتی است. نشانه بزرگی انسان است. خیلی بزرگ است. دیگر چه بود؟ در ادامه آیه 43 سوره مبارکه اعراف بعد از اینکه فرمود اینها اهل بهشت هستند و بهشت شان ابدی است و زیر درختانش نهرها جاری است، که ما اصلاً معنای این نهرها را نمی دانیم؛ می

فرمایند: وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ كُنَّا لَمَمَّةً كَارِهًا رَا
خدا کرده است. خدا سحر مرا بیدار کرد.

من خودم بیدار نشدم. اگر حال نماز داشتم، خدا آن حال را داد. اگر همت کردم و یک کار بزرگی کردم، خدا آن کار را کرد. مدام می فهمد که خدا این کارها را کرد و در آن زمان می گوید که همه کارها را خدا کرد. یعنی کمک کرد. این را فراموش نکنید. کمک کرد. می فرماید خدایی را حمد می کنم که ما را به چنین راه و چنین جایی هدایت کرد. اگر در خاطرتان باشد آیاتش را می خواندیم. در آیه 74 سوره مبارکه زمر می فرماید: تَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ما در این سرزمین بی نهایت، در این سرزمین بی حد و مرز، خودمان هر قصری که بخواهیم و هر طوری که بخواهیم، می سازیم. تَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ در سرزمین بهشت جای می گیریم. در زمین بهشت. هر جا که بخواهیم و هر طور که بخواهیم.

فقط آنجاست که هرجا بخواهیم و هرطور بخواهیم است. کسی که اینجا هرجا بخواهد و هرکار بخواهد را کنترل کند، آنجا به آزادی می رسد. آقا انسان چند سال خودش را کنترل کند و هوا و هوس خودش را زنجیر کند؟ چهل پنجاه سال. بعد از پنجاه سال چقدر به آزادی می رسد؟ بی نهایت. آن وقت عاقلانه است که انسان پنجاه سال را ندهد و یک بی نهایت نگیرد؟ یا نه؟ من می خواهم در اینجا آزاد باشم؟ اگر بخواهم در اینجا آزاد باشم، چقدر می توانم آزاد باشم؟ ما چقدر می توانیم در اینجا آزاد باشیم؟ آنهایی که خیلی آزاد هستند، چقدر می توانند آزاد باشند. حالا نمی شود مثال زد. مثلاً یکی می خواهد بخورد. مگر چقدر می تواند بخورد؟ خیلی حد و مرز دارد. خوردن و نگاه کردن و همه قوای انسان هزاران حد و مرز دارد.

خب چهارتا حد و مرز هم مطابق دستور خدا علاوه کن. هرجایی را نگاه نکن و هر چیزی را نخور و هر چیزی نگو و هر جا نرو. آن وقت آنجا به آزادی می رسی. آزادی آنجا چگونه است؟ حد و مرز ندارد. تَبَوُّوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ تَشَاءُ هر جا بخواهد. هرکاری که بخواهد. هر چیزی که بخواهد. خب؟ در آیه 43 سوره مبارکه اعراف فرمود: وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ خدا بود. همه اش را خدا کرد. آن دوستان در فتح بازی دراز بود. بازی دراز یک کوه بلندی در مرز بود که دائماً بین این دست و آن دست عوض و بدل می شد. حالا یک وقتی دست بچه های ما افتاده بود و آنها آنجا را گرفته بودند. ایشان می گفت که این بچه ها مال لرستان بودند. می گفت از پایین کوه تا بالایش تابلو زده بودند و نوشته بودند خدا بازی دراز را فتح کرد. بعدها هم می گفتند خدا خرمشهر را فتح کرد. آن موقع هم می گفتند خدا آنجا را فتح کرد. انسانی که کار کند این را می فهمد.

ما که نشسته ایم، نمی فهمیم. آنهایی که کار کرده اند و به مقصد رسیده اند می فهمند که اگر خدا نبود، هیچ نبودند. در ادامه می فرماید: لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ بِالْحَقِّ آنجا هرچه پیغمبران گفته بودند را می یابد. اینجا هم می شود بیابدها. لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ بِالْحَقِّ هرچه همه پیغمبران آورده بودند، درست بود. یک ذره اش کم و کسر نبود. چیزهایی که دیگران گفته بودند چطور؟ همه اش بیهوده بود. خدا کند انسان اینجا بفهمد. آنچه غیر خداها گفته بودند، باطل بود. آنچه خدا گفته بود درست بود. در ادامه می فرماید: وَتُذَوُّوا أَنْ تَكَلُمُوا الْجَنَّةَ أُورِثْتُمُوهَا بعد یک ندایی می آید. مثلاً یک فرشته ای ندا می کند که أَنْ تَكَلُمُوا الْجَنَّةَ این بهشتی که الان تو را به آن راه دادند و وارد آن شدی، أُورِثْتُمُوهَا به ارث به شما رسید. به چه؟ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ خب زحمت کشیدی. بی زحمت هم می شود؟ نمی شود. أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

در آیه 45 و 46 سوره مبارکه حجر می فرماید: **إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ**. آجا گفتند **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ** و اینجا می فرمایند: **إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ** وقتی به بهشت می رسند به آنها به سلام گفته می شود که وارد بهشت بشوید. به سلامت کامل و بدون هیچ رنجی. شما در دنیا رنج هایتان را بردید. رنجی که انسان خودش انتخاب کند، یک به صد هزار حساب می شود. نه یک به صد هزار. یک به صد میلیارد. اما حالا. **إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ** به امن کامل و سلامت کامل می رسند. در آیه بعد می فرماید: **وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ** قبلا آنچه از غل در سینه آنها بود را از سینه شان درآوردیم. ببینید آیا می شود آدمی که در سینه اش بخل و کینه و حسد است به بهشت برود؟ قرار است یک عمر بی نهایت با هم زندگی کنیم.

نمی شود که من به شما کینه بورزم. گاهی یک خانم هایی از شوهرشان شکایت می کنند. یا شوهرها از خانم شان شکایت می کنند. خب اي آقا يا اي خانم، شما جنگ به پا کرده ايد. آخر چطور می شود با جنگ زندگی کرد؟ مثل اینکه من لباس رزم پوشیده باشم و بعد ازدواج کرده باشم. سراسر عمر با شوهر می جنگد. او هم سراسر عمر با زن و بچه می جنگد. خب نمی شود. تو چطور می توانی زندگی کنی؟ نمی فهمد که اين رنج و غم و غصه دائمی و دعوای همه روزه و هر شبه نمی شود. يك آقايی به زن و بچه اش زور می گوید. يك خانمی به شوهرش زور می گوید. خب ببينيد خدای متعال جهنم را برای زورگويان ساخته است ديگر. حالا يکی دستش به زن و بچه اش می رسد و به آنها زور می گوید. اگر يك شهر در اختيارش بود به آنها زور می گفت. اگر يك کشور در اختيارش بود، به آنها زور می گفت. اگر يك کارخانه داشت، به کارگريهايش زور می گفت. چه عرض می کرديم؟ وَتَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ اينها برادروار در برابر هم بر تخت ها نشسته اند. وقت تمام شده و حرف تمام نشد. ان شاء الله به فضل خدا می ماند برای هفته آینده.